

صالحی در جمع خبر نگاران:

انتصاب هادر وزارت ارشاد تا پایان مهر نهایی می شود



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از نهایی شدن انتصاب هادر این وزارتخانه تا پایان مهر خبر داد.به گزارش ایلنا،سیدعباس صالحی در پایان جلسه هیات دولت باحضور در جمع خبرنگاران درخصوص انتصابات دروزارت فرهنگ و ارشاداسلامی گفت:بخشی از انتصاب هادانجام شده است، تا پایان مهر ماه مسیر انتصاب مجموعه مسئولانی که باوزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همکاری خواهند داشت، طی می شود و نهایی خواهد شد.

■ ■ ■

صالحی امیری:

باید جذابیت های ایران را

در زمینه گردشگری به دنیا معرفی کنیم



وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: باید جذابیت های ایران را به دنیا معرفی کنیم، به گزارش ایلنا،سید رضا صالحی امیری در پایان جلسه هیات دولت باحضور در جمع خبرنگاران افزود: در حالی که ایران بر اساس مطالعات بانک جهانی هفتمین کشور جذاب برای گردشگری در جهان است، به اعتقاد من ماجزه سه کشور اول در سطح جهان در بخش گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی هستیم.

■ ■ ■

«پریسان» چند جایزه بین المللی دریافت کرد

فیلم سینمایی «پریسان» در چند جشنواره خارجی جوایزی را در رشته های مختلف دریافت کرد. به گزارش مشاور رسانه ای پروژه فیلم سینمایی «پریسان» به کارگردانی کامبیز بابایی در جشنواره سالتا کروزر رودوژانپرو برزیل به نمایش در آمد و جایزه بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را از این فستیوال دریافت کرد. این فیلم در جشنواره بین المللی فیلم «آنتالی» نیز که در استانبول ترکیه برگزار شد، جایزه بهترین فیلم را به دست آورد. در این جشنواره همچنین جوایز بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر مرد و بهترین بازیگر زن به ترتیب به کامبیز بابایی، فرهاد قلعیان و لیندا کیانی اهدا شد. در «پریسان» بازیگرانی همچون فرهاد قلعیان، لیندا کیانی، ثریا قاسمی، سیاوش لمپورث، شقایق فراهانی، مهدی کوشکی، صحر اسداللهی، هامون سیدی، سیاوش چرانی، پور، سپیده مظاهری، شام مرین علیمحمدی و نادیا شادمان به ایفای نقش پرداخته اند.

■ ■ ■

اعضای شورای سیاست گذاری آژانس عکس ایران معرفی شدند

با حکم مهدی آذر بندار، مدیر عامل انجمن سینمایی جوانان ایران، اعضای شورای سیاست گذاری آژانس عکس ایران منصوب شدند. به گزارش روابط عمومی انجمن سینمای جوانان ایران، براین اساس، اسماعیل عباسی، عکاس، مترجم و نویسنده، مدرس دانشگاه و داور عکس، سیدعباس میرحاشمی، عضو هیأت مؤسس انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس، مدیر عامل سابق انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس و مشاور مدیر کل دفتر امور هنرهای تجسمی وزارت ارشاد، در هاد سلیمانی، عضو سابق هیأت مدیره و نایب رئیس انجمن عکاسان مطبوعات، عضو هیأت مؤسس و هیأت مدیره انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس، مدیر گروه عکس دانشگاه هنر، عاطفه حقیقی، عکاس، مدرس و داور جشنواره عکاسی، مهدی وثوق نیل عکاس، مدرس و داور جشنواره های عکاسی، مهدی مقیم نژاد، عکاس هنری، مدرس دانشگاه، پژوهشگر و نظریه پرداز، هادی آذری عکاس، مدرس عکاسی، عضو هیأت علمی دانشگاه و مدیر گروه عکس دانشکده هنرهای زیبا، ساسان مؤیدی، عکاس بر گزیده هشت سال دفاع مقدس و صاحب کتاب عکس در مجموعه کتاب های جنگ تمجیلی، سید وحید سید حسینی، معاون امور استان ها و جشنواره های انجمن سینمای جوانان به عنوان مسئول و محمد رنوف شهبازی به عنوان دبیر شورا، اعضای شورای سیاست گذاری آژانس عکس ایران هستند.خبرندختین جشنواره عکس تهران همزمان باچهل و یکمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران، ۲۷مهر تا ۲آبان ۱۴۰۳ در پردیس سینما گالری ملت برگزار می شود.

■ ■ ■

دییلم افتخار بهترین فیلم کوتاه جشنواره اوزارک برای «بلعیده شده»

فیلم کوتاه «بلعیده شده» به نویسندگی سولماز اعتماد و کارگردانی و بازی صحرافتحتی در دومین دوره از جشنواره Ozarks Film Summit & YonderFest و موفق به دریافت دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه شد. به گزارش ایلنا، این جشنواره تنها جشنواره ای در امریکاست که در اوزارک میسوری آغاز به کار کرده است. بلعیده شده داستان زنی است که در میان ناملایمات روزگار کنونی در تردید و تاظم درونی غوطه ور است که ایافرزندش را به دنیا بیآورد یا نه.

نمایش اثر کوتاه ایرانی

در جشنواره موسسه فیلم آمریکا

فهرست فیلم های حاضر در جشنواره سالانه موسسه فیلم آمریکا اعلام شد و فیلم کوتاه «قوتار» به نویسندگی و کارگردانی علی علیزاده در بخش آثار کوتاه جشنواره موسسه فیلم آمریکا به نمایش گذاشته می شود. به گزارش ایسنا، در خراسه داستان این فیلم آمده است: باز یک زن شدن سیراهی به زمین، گلوها یک کلبه فرامی کنند صاحب کلبه نیز باتس فرار و پسر طلع خود را همامی کند. باباز گشت گلوها، آن هادر یک کابوس و خشونت غوطه ور می شوند. فیلم های «لتهاتجیر معلبه» ساخته محمد سولر افقو «یکم محبوب من» به کارگردانی مشترک که بهتاش صناعی ها و مریم مقدم نیز در این رویداد سینمایی به روی پرده خواهند رفت. جشنواره موسسه فیلم آمریکا تا ریح ۲۳ تا ۲۷ تیر (دوم تاششم آبان) برگزار می شود.



محمد حسن خدایی

صحرافتحتی را می توان نمونه ای آشنا از تئاتر هایی دانست که مناسبات گذشته را تکرار می کنند تا این مسئله گوشزد شود که مردسالاری حاکم بر جامعه همچنان در حال باز تولید است و پیشرفت چندانی در زمینه بهبود حقوق زنان مشاهده نمی شود. به هر حال وقتی نویسنده و کارگردان نمایش، یک زن چون صحرافتحتی است که ادعای پیشرو بودن در رابطه با مسائل زنان را دارد، حساسیت ها افزایش یافته و این پرسش مطرح می شود که کارگردان، مفهوم «زنانگی» را چگونه می فهمد و در اثرش بازتاب می دهد؟ از یاد نبریم که سال ها با اجراهای مواجهه بودیم که نگاه فرودستانه ای به زنان اجتماعی اش کامبیش فاقد عاملیت موثر بوده و در کلیت جامعه، تفوق با مردسالاری است. اینکه تغییرات اجتماعی دشوار بوده و دیرپاب، امر پذیرفته شده ای است! اما نمی توان چشم بر واقعیت ها بست و عاملیت دختران و زنان را در عرصه های مختلف اجتماع نادیده گرفت. نمایش «بی پایانی»

برده نقره ای

مروری بر سریال «گردن زنی» به کارگردانی سامان سالور

خشن، مهیج و معمایی



«گردن زنی»، سریال مهیج و معمایی است که چاشنی خشونت در آن به عنوان یک عنصر مهم در ایجاد هیجان و کشش داستان نقش دراز این رو عنوان بالای ۱۶ سال در گوشه تصویر درج شده و دنبال کنندگان نیز می یابست بداندن که سریال در چه فضا و کدام موضوعات و مضامین شکل می گیرد.

گفته می شود نویسنده سریال «گردن زنی» برای نوشتن این سریال از چند پرورنده جنایی بسیار معروف الهام گرفته که مهم ترین آن به پرورنده کشته شدن نازنین و بهزاد در سال ۱۳۹۷ بر می گردد. در آن سال زوج جوانی به نام نازنین و بهزاد به شکل و حتی پناهه ای در شب عروسی شان به قتل رسیدند. اقتباس از پرورنده های جنایی موضوعی است که سال ها پیش توسط احمد محقق در دنیای ادبیات فارسی رایج شد و حالا چند سالی است که پای آن به سینما هم کشیده شده است و واقعیت اینست که اقتباس از این ماجرا هادر دنیا همیشه مرسوم بوده و ترند شدن آن در سینمای ایران با اینکه دیر رخ داده اما حال و هوای هیجان انگیزی به آثار جنایی داده و کیفیت این آثار را یک سر و گردن افزایش داده است. بی بدن، علفزار، متری شش و نیم و... تنها چند مورد از این اقتباس ها و نیمه اقتباس ها هستند که جملگی در بین آثار خوبی سینمای کشور مان قرار دارند.

شروع سریال با مراسم عروسی وشادیش آغاز می شود و خیلی زود مشخص می شود که این آرامش قبل از طوفان است که در ادامه شاهد اتفاقات غمناکی خواهیم بود. نیما و باران عروسی مجلل و جذابی بر گزار کردند و مهمان ها که در واقع شخصیت های اصلی داستان هستند برای مخاطب رونمایی می شوند. زن و یاونتهایی، الهام پاونته ازاد، حسن معجونی، حسینی نیواسمیرا حسن پور همگی قوم خویشی هستند.

در چه یک عروس و داماد هستند که قرار است در طول سریال، درام این شخصیت هاوار تباط آنها، مشاهده کنیم. گردن زنی یک سریال شخصیت محور است که در قسمت اول، بیشتر رونمایی از کاراکترها صورت می گیرد و اتفاق مهم قتل عروس و داماد اتفاق می افتد اما در قسمت دوم خیلی زود شاهد اتفاک ها و کنش های دیگر شخصیت هاو پردازش کاراکتر هاستیم به نحوی که در این قسمت به خوبی معما و تعلیق آدم ها و روابط بین آنها بروز پیدا می کند: پس قسمت اول

گفت و گو

«گرشام رضایی»، خواننده پاپ در گفتگویی کوتاه با «توسعه ایرانی»:

هر زمان کارمان گره بخورد، دفتر موسیقی به دادمان می رسد

نمایش به طوفانی سهمگین و تراز یک بدل می شود. منطق اجرا مبتنی است بر ساختن یک دو گانه مابین زنان و مردان. به دیگر سخن هر سه این زن هادام از مردان زندگی خویش سخن می گویند و حضور یا غیاب انسان را در وضعیت فلاکت بار کنونی شان بر جسته می کنند. از این منظر نمایش «بی پایانی» توان فراتر رفتن از این موقعیت دو گانه را ندارد و با عمده کردن نقش مردان این دوره وزمانه از تاثیر ساختار هاجتماعی در فرودستی زنان به راحتی در می گذرد. صحرافتحتی فراموش می کند که جایگاه فرادستی مردان، از دل یک ساختار تبعیض آلود بیرون می آید و این جماعت به تنهایی نمی توانند موجوداتی سر کو بگر باشند و موجب بدبختی زنان شوند. جالب آنکه در طول اجرا از حضور فیزیکی مردان خبری نیست و همه چیز بیش از اندازه زنانه است. این تمهید که به غیاب فراینده مردان منتهی شده به این سه زن فرصت می دهد که مدام از مردان بگویند و خود را در نسبت با آنان معنا کنند.

بنابر این هویت اجتماعی این سه زن، بی وقفه از طریق اشاره به حضور یا غیاب مردان بر ساخته می شود و نوعی وابستگی زنانه در رابطه با کیفیت حضور مردان شکل می یابد. در مباحث فمینیستی، دورویکرد برای آزادی زنان قابل مشاهده است: رویکرد لیبرال که آزادی و برابری زنان را در جامعه به آزادی مصرف تقلیل داده و از نقش آنان در تولید مادی جامعه غافل است. اما رویکرد دوم که فمینیسم رادیکال نامیده می شود تلاش دارد به شیوه مادی تولید سر مایه داری در یک

اجرا جهان زنانه را اینگونه تفسیر می کند که بهتر است منکوب کننده نیر و های احساسات انسانی اجتماع، به و چندان که باید در بی عاملیت زنانه و تغییر نبود. شور بخانه رنج زنانه به روایت صحرافتحتی گرفتار بی پایانی است. در ابتدا کمیک و در انتها تراژیک

رونمایی از شخصیت ها و قسمت دوم معرفی و روابط آنها به مخاطب ارائه می شود تا فضایی تلخ و هیجانی قسمت اول تا حد زیادی حال و هوای معمایی پیدا کند. معمای قتل نیما و باران، رشتگی و شخصیت پردازی و شخصیت و تمایز این دو قسمت تاحد فریبرز بابازی حسن معجونی و همسر گیسو بابازی رویا نونهالی در کنار ارتباط نامهربانانه فریبرز بابازی مهران غفوریان با گیسواز جمله جذابیت ها و تعلیق های قسمت دوم است که تماشاگران را میخکوب و به ادامه تماشای سریال ترغیب می کند.

پازل روابط شخصیت ها در قسمت دوم به خوبی شکل می گیرد و باران و نیما به عنوان عروس و دامادی که در همان قسمت اول به قتل می رسند شخصیت های پیچیده ای ترسیم می شوند این که چرا باید به قتل برسند و انگیزه اصلی قاتل برای این قتل درناک چه بوده سوال مخاطب می شود. سرور پریز هالین دواز ترک مجلس عروسی تاقر سفر تورتورتو به جای ترک به نیز شخصیت و تصمیمات آنها را تا حد زیادی مشکوک و عجیب جلوه می دهد. از طرف دیگر گیسو مسعود مادر و پدر باران هستند که از یک طرف رفتار مشکوک مسعود با یک زن در عروسی و تماس های عجیب با او و همچنین رفتار گیسو با برادرش فریبرز در محل مرار مقتولین، شائبه های کینه قدیمی و آتشین را میان برادر و خواهر تقویت می کند به خصوص اینکه دپالو گه های نشان از ناتنی بودن گیسو و فریبرز دارد که آن نیز ماجرای جنا گانه ای پیدا می کند. افسر و کارگرافتال این پرورنده بابازی امین شریعراف گویا قبل تر خواستگار باران بوده و انگیزه های عاطفی نیز برای پیگیری پرورنده دارد و از سوی دیگر، با خانواده دختر آشنایی دارد و این مسیر واکاوی پرورنده را تسهیل و بلور پذیر می کند. مونا مانی برادران نیما داماد به قتل رسیده قسمت اول هستند که رفتار و گفتار نیما و جزو بحث های او با نیما در مراسم عروسی نیز موضوع دیگری برای دنبال کردن است و بالاخره اینکه شاهرخ بابازی پوریا رحیمی سام به عنوان قاتل عروس و داماد بر خلاف سریال های دیگر خیلی زود و کامل معرفی می شود و مخاطب تنها به انگیزه اصلی او که به نظر ناموسی می رسد فکر می کند خصوصا اینکه پدر شاهرخ هم در قسمت دوم و بخش های انتهایی معرفی وار تباط او با ماجرای قتل نحادی آشکار می شود.

سریال های شخصیت محور به طور کلی مجموعه های پر باز پیگری هستند که اجرای



نمایش «بی پایانی» صحرافتحتی را می توان نمونه ای آشنا از تئاتر هایی دانست که مناسبات گذشته را تکرار می کنند تا این مسئله گوشزد شود که مردسالاری حاکم بر جامعه همچنان در حال باز تولید است و پیشرفت چندانی در زمینه بهبود حقوق زنان مشاهده نمی شود

تغییر لحن داده و فضای شاد و کمیک ابتدایی تبدیل به اتمسفری تراژیک و مملو از غافلگیری و سئو ظن می شود. این قبیل روایت های دوپاره این روزها به کرات در تئاتر ما قابل مشاهده است و بسیاری از اجراها در ابتدای روایت، فضایی شاد و صمیمی خلق کرده و ناگهان با تغییر استراتژی، مخاطبان را با یک فضای سهمگین و تراژیک روبرو می کنند که اغلب بصیرت افزا است. نمونه خوب این قبیل گردش های دراماتیک را در آثار نویسندهای چون یاسمینا رضا شاهد هستیم بخصوص نمایشنامه «گفتگو هایی پس از یک خاکسپاری»، اما مسئله اینجا است که این نویسنده فرانسوی از همان ابتدایه اندازه مقدمه چینی می کند و گردش دراماتیکی که صورت می دهد باور پذیر است. اما در نمایش «بی پایانی» این چرخش دراماتیک و تغییر لحن، بیش از اندازه ناگهانی و تاحدودی نشان از ضعف تکنیکی نویسنده است.

در نهایت می توان گفت با اجرایی متعارف از تئاتر بدنه روبرو هستیم که بازیگران توانایی چون الهام شعبانی، حدیث میرامینی و مهسا طهماسبی در آن بازی کرده و توانستند سیاست های اجرایی و جنسیتی کارگردان را اجرا پذیر کنند. اینکه در پایان نمایش هر سه زن، احساس تنهایی کرده و برای محافظت خویش از مخاطرات پیدا و پنهان، به یکدیگر پناه می آورند در ما مخاطبان احساسی متناقض خلق می کند. به عبارت دیگر این همبستگی زنانه خوب و انسانی است و این نکته بر دوستی حتی نیکوتر. مسئله اما اینجا است که اجرا چندان که باید به مفهوم رادیکال «خواهرگانی» که ندارد و همبستگی زنانه را از طریق محو تفاوت های طبقاتی و انسانی می بیند. اجرا جهان زنانه را اینگونه تفسیر می کند که بهتر است در مقابل هجوم نیر و های منکوب کننده اجتماع، به میرامینی باری می کند و آشکار شدن راز های مگوی زنانه مابین این سه دوست، به تصمیم او در مهاجرت ناگهانی مربوط است. آن دو زن دیگر در مواجهه با این خبر مهم در چار تشویش شده و اطلاعات جالبی از یکدیگر را افشای کنند. از طریق این افشاگری های ناگزیر، اجرا از میانه، ابتدا کمیک و در انتها تراژیک.

سامان سالور به عنوان کارگردان شناخته شده که کار های متنوع و مختلفی داشته در کنار زامیاد سعدونیان در جایگاه نویسنده که فیلم سراسر شب را بافراد مومن تکرار کرده بوده، به نظر افراد توانمندی در بازیگری و شخصیت پردازی و شخصیت و تمایز این دو قسمت تاحد زیادی این میزان توفیق را نمایان کرده است. پوریا رحیمی سام که عموما نقش کاراکتر های مظلوم، ترسو و حتی احمق و ساده لوح را بازی می کرد در یک تغییر جذاب در گردن زنی یک قاتل بی رحم شده است. حسن معجونی که معمولا شخصیت هیپی بی خیال و نامنظمی داشت در این سریال یک جنتلمن خوش پوش و جذاب را بازی کرده است. پاونته ازاد بعد از مدت ها غیبت حضور قدرتمندی دارد و مهران غفوریان کاما فی سابق در نقش های جدی جذاب و همراه کننده است. مهدی حسینی نیابو بهنام شکر شمایل متفاوتی دارند و پژمان بازغی، تران پورانه و سپیده اعلایی قرار است در سمت های اتی اضافه شوند تا مجموعه ای پر کارا کتر، ماجراجویانه و پرباز یگر در ادامه همراه باشیم.

داستان «گردن زنی» از پوستر ها و تیزر های قبل از نمایش هم تقریبا مشخص بود: در شب عروسی یک زوج جوان، مردی برای تسویه حساب با پدر زاده و در خانه این زوج می شود و عروس و داماد را می کشد و از آنسو به دلار های بسیار زیاد داخل گاوصندوق این زوج هم دستبرد می زند، موضوعی که بودا را است و باید در ادامه سریال بد که قصد و نیت این فرد از دزدیدن دلار ها دقیقا چه بوده است. با توجه به ریتم تند ی که از سریال در دو قسمت اول شاهد بودیم، می توان امیدوار بود که این ریتم سریع وارد شده و عایت شود هر چند در قسمت سوم تر مز شدیدی به این ریتم دارد و به فاصله از کار کند بودن داستان هستیم، به نظر می رسد کارگردان قصد دارد یکی دو قسمتی را با یک روند آهسته تر، به شخصیت پردازی دقیق تر و بهتر شخصیت ها که جزو ضعف های «گردن زنی» محسوب می شود در ادامه بیشتر به آن اشاره می کنیم، بپردازد. «گردن زنی» با قدرت کار خود را شروع کرد و در قسمت سوم پیش چندی به داستان آن وارد شد به طوری که موضوع قتل حالا دیگر یک قتل ناموسی تکراری و کلیشهای نیست و به نظر می رسد با داستان جذاب تر ای هیجان انگیز تری روبرو خواهیم بود. این سریال شاید در وهله اول شبیه به آثار همره خود در سایر شبکه های اینترنتی بود اما با پیشروی در داستان نشان می دهد که تفاوت های اساسی با سریال های حول محور لوت ها و قتل های ناموسی دارد و یک کلاف پیچیده تر را در جیب خود قایم کرده است. سامان سالور

ورق های قدرتمند خود را نگه داشته تا در ایپزودهای بعدی رو کند و پیش بینی می شود «گردن زنی» همانطور که یک پایلوت (ایپزوداول) طوفانی را به نمایش در آورد، در قسمت های پایانی نیز وارد فضا هیجان انگیز تندی شود که در نوع خود بی نظیر باشد. در نهایت به طور کلی باید تجربه سریال «گردن زنی» یک ترفه بدنی برای علاقه مندان به ژانر پلیسی جنایی است.

گفت و گو

سواد موسیقی دارد. رضایی تاکید کرد: من اهل چایپلوسی نیستم؛ با کسی هم تعارف ندارم، باور کنید در کنسرت های شهرستان هر زمان که کار مان گره می خورد، این دو بزرگوار (الهپاری و سمیعی) با پیگیری های مستمر، مشکلات را حل و فصل می کردند.



بوده های بزرگی دارد. در این زمینه با گرشام رضایی، خواننده موسیقی پاپ گفتگویی کوتاه داشته ایم و به این واسطه از دیدگاه های خود درباره بخش مهمی چون دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته است.

این خواننده شناخته شده موسیقی پاپ در ابتدای صحبت هایش درباره اوضاع دفتر موسیقی در سال های گذشته گفت: هم در زمان محمد الهپاری و هم در زمان آقای سمیعی اوضاع دفتر موسیقی خوب بوده و هست. گرشام رضایی افزود: به نظر م دفتر موسیقی وزارت فرهنگ در حال حاضر کارش را خیلی خوب انجام می دهد. از زمانی که آقای سمیعی به دفتر موسیقی با هنرمندان راه آمده است، در زمان آقای الهپاری هم همینطور بود.

وی ادامه داد: امیدوارم با تغییر دولت و روی کار آمدن دولت جدید، آقای سمیعی در دفتر موسیقی سر جایش بماند و شاهد تغییری در این بخش نباشیم.

این خواننده موسیقی پاپ کشور مان گفت: در سال های گذشته که آقای الهپاری واقعا عملکرد خوبی در دفتر موسیقی داشت. آقای سمیعی هم که خودش موزیسین است و